

فرا تحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۹۷-۱۳۷۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان^۱

شهره روشنی^{۲*}، مریم تافته^۳، زهره خسروی^۴

رشد طلاق در جامعه ایران و تبعات منفی آن توجه به این مسئله اجتماعی را ضروری ساخته است. در این زمینه، هدف پژوهش حاضر ارائه راهکارهایی برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن بوده است. به این منظور، با استفاده از روش فراتحلیل کیفی، با بررسی ۷۰ پژوهش منتخب حوزه طلاق در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷)، به دسته‌بندی عوامل طلاق و پیامدهای منفی آن و سپس ارائه راهکارهایی برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن پرداخته است. طبق یافته‌ها، عوامل طلاق را براساس منشأ عوامل می‌توان در چهار دسته همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب قرار داد. بر این اساس، برای کاهش طلاق، راهکارهایی بر پایه اجرای دوره‌های آموزشی و مشاوره‌ای از سوی نهادهای مسئول و الزام همسران به شرکت در آن با در نظر گرفتن ضمانت اجرای قانونی مناسب پیشنهاد می‌شود. پژوهش‌ها همچنین به پیامدهای منفی طلاق برای زنان و فرزندان پرداخته‌اند که برای کاهش این پیامدها می‌توان راهکارهایی بر محور رفع چالش‌های حقوقی و خلأهای قانونی، آموزش والدین برای به حداقل رساندن آسیب‌های طلاق برای فرزندان، ارائه خدمات مشاوره‌ای، فرهنگ‌سازی برای حمایت خانواده از زنان مطلقه و اصلاح نگرش جامعه به زنان مطلقه و فرزندان طلاق ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها

پیامدها، راهکارها، طلاق، عوامل، فراتحلیل.

۱ مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «راهکارهای کاهش طلاق در ایران براساس فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در دو دهه اخیر» است که در سال ۱۳۹۷ با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری انجام شده است.

sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۲. استادیار مطالعات زنان دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول)

maryamtafte@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

Z.khosravi@alzahra.ac.ir

۴. استاد روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

مقدمه و بیان مسئله

طلاق مکانیسمی قراردادی و پذیرفته شده در اکثر جوامع است. این مکانیسم به زن یا مرد، و در صورت توافق به هر دو، امکان می‌دهد تا تحت شرایطی و طی مراحل پیوند زناشویی را بگسلند و به راه خود بروند و زندگی جدیدی را تجربه کنند [۴]. چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مرحله انتقالی عمده باید طی شود. پل بوهاتان^۱ شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می‌کند که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند ناچارند با آن روبه‌رو شوند. این مراحل ممکن است دشواری‌ها و تنش‌هایی پدید آورند که بر زن و شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستانشان اثر گذارد:

۱. طلاق عاطفی که بیانگر رابطه زناشویی است که رو به زوال می‌رود- تنش فزاینده میان زن و شوهر که معمولاً به جدایی می‌انجامد؛
۲. طلاق قانونی که متضمن زمینه‌ها و دلایلی است که بر پایه آن‌ها به ازدواج پایان داده می‌شود؛
۳. طلاق اقتصادی که به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می‌شود؛
۴. طلاق هماهنگی میان والدین که مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را دربر می‌گیرد؛
۵. طلاق اجتماعی که به تغییرات در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود که فرد طلاق گرفته با آن‌ها سروکار دارد؛
۶. طلاق روانی که از طریق آن فرد سرانجام باید پیوندهای وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنهازیستن رودررو شود [۲۲].

چندین عامل به هم می‌پیوندند و باهم شبکه‌ای پیچیده فراهم می‌کنند. این شبکه در نوع خود منحصر به فرد است. به بیان دیگر، هر طلاق از دیدگاه علی در نوع خود بی‌نظیر است، زیرا هر زن و شوهر با توجه به شخصیت خاص هر یک از آنان، خانواده منشأ، نوع همسرگزینی، منش و خلق و خوی هر یک، رابطه‌ای خاص، منحصر به فرد و بی‌نظیر فراهم می‌آورند. قطع این رابطه نیز با پیوند عوامل خاص و شبکه‌ای منحصر به فرد از عوامل صورت‌پذیر است [۱۳].

طلاق مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی چون خودکشی، مراحل و انواع دارد. طلاق یک‌باره و در مدت کوتاهی به وجود نمی‌آید. در تعدادی از زندگی‌های زناشویی، در ابتدای زندگی مشکلات به تدریج رخ می‌نماید و فاصله‌ای بین زن و مرد به وجود می‌آورد. این مشکلات روزه‌روز بیشتر و عمیق‌تر می‌شود و به تبع آن فاصله‌ها زیادتر می‌شود. به دنبال آن، مهارت و مدیریت کنترل زندگی و اختلافات ضعیف‌تر می‌شود؛ تا جایی که اختلافات به حدی می‌رسد که زن و مرد

توان تحمل یکدیگر را ندارند و از یکدیگر جدا می‌شوند. در نتیجه، در ابتدا طلاق عاطفی به وجود می‌آید، سپس طلاق فیزیکی رخ می‌دهد. در مواقعی نیز، طلاق عاطفی در طول زندگی ادامه می‌یابد؛ بدون اینکه طلاق فیزیکی به وجود بیاید [۲۷]. بنابراین، به طور خلاصه، فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند: ۱. اختلافات جزئی، ۲. تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، ۳. جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، ۴. قهرهای طولانی و تکرار آن، ۵. خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، ۶. طلاق عاطفی، ۷. طلاق قانونی [۲۵].

طلاق از پدیده‌های مهم حیات انسانی است و اضلاعی به تعداد همه جوانب و اضلاع جامعه انسانی دارد: نخست، پدیده‌ای روانی است، زیرا نه فقط بر تعادل روانی زوجین، بلکه بر فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان نیز اثرگذار است. دوم آنکه پدیده‌ای است اقتصادی، زیرا به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و با اختلال در تعادل روانی افراد، زمینه آسیب جدی در حیات اقتصادی آنان را فراهم می‌کند. سوم آنکه طلاق پدیده‌ای است مؤثر در همه جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از یک سو با فروپاشی خانواده، یعنی تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل، بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد و از سوی دیگر موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه شود که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند و به این ترتیب بر کیفیت جمعیت اثر دارد. چهارم اینکه طلاق پدیده‌ای فرهنگی است. طلاق از دیدگاهی پدیده‌ای ارتباطی است، بدین‌سان در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است، رابطه زناشویی نیز استثنا نیست. پیوندهای ازدواج به‌زودی برقرار و به‌زودی قطع می‌شوند. پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به‌عنوان انسان و فرزندانش مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت نیز اهمیت دارد [۱۳].

به اعتقاد جامعه‌شناسان تبدیل طلاق به مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل شدن از یک گرفتاری خصوصی و شخصی به یک مسئله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به‌منزله مسئله اجتماعی مطرح می‌شود که از حد معینی خارج و فراوانی آن غیرمتعارف شود. بدین لحاظ امروزه طلاق دیگر یک مشکل فردی نیست؛ بلکه فرایندی چندمرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه لطمات شدیدی نیز بر جامعه وارد می‌کند؛ لطماتی که در نهایت کل پیکر جامعه را دستخوش تشنج و مشکلاتی جدی، عمیق و جبران‌ناپذیر می‌کند [۲۳]. زمانی که جامعه در معرض آسیب‌های بنیادی است و روابط اجتماعی بیمار است، میزان طلاق همچون شاخصی دقیق درجات بیماری‌های فوق را نشان می‌دهد. از این رو، می‌توان این پدیده را شاخص نماد خواند، زیرا نشان عینی، ملموس و قابل اندازه‌گیری از عناصری اغلب کیفی و درونی لیکن به‌هم‌پیوسته است [۱۳]. جامعه ایران در سال‌های اخیر شاهد افزایش آمار طلاق بوده است؛ به‌طوری‌که براساس آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال، نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور از میزان ۰/۱۲ در سال ۱۳۸۶ به ۰/۲۹

در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است؛ این نسبت در برخی استان‌ها بسیار بالاتر بوده است؛ مثلاً می‌توان به استان تهران اشاره کرد که نسبت طلاق به ازدواج در آن از میزان ۰/۲۲ در سال ۱۳۸۶ به ۰/۴۵ در سال ۱۳۹۶ رسیده است [۱۴]. بنابراین، با توجه به آثار و تبعات طلاق از یک سو و رشد نسبی طلاق در کشور از سوی دیگر، ارائه راهکارهای عملیاتی برای کاهش آن از ضرورت خاصی برخوردار است.

جست‌وجوی مطالعات پیشین نشان می‌دهد پژوهش‌های بسیاری در زمینه طلاق در کشور انجام شده و این مسئله را از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند. لذا مطالعه حاضر تلاش کرده است با استفاده از فراتحلیل کیفی به بررسی پژوهش‌های دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) بپردازد و علاوه بر توصیف ویژگی‌های مختلف این پژوهش‌ها، با جمع‌بندی یافته‌ها به دسته‌بندی عوامل طلاق، و نیز پیامدهای منفی طلاق بپردازد و سپس راهکارهایی مناسب برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن ارائه کند. در این زمینه، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل بوده است:

۱. پژوهش‌های دو دهه اخیر چه ویژگی‌هایی از نظر موضوع، اهداف، روش، میدان مطالعه، چارچوب نظری، مراحل طلاق، نتایج، پیشنهادها و راهکارها داشته‌اند؟
۲. براساس نتایج پژوهش‌های اخیر، چه عواملی موجب طلاق شده است؟
۳. براساس نتایج پژوهش‌های اخیر، طلاق چه پیامدهای منفی‌ای داشته است؟
۴. چه راهکارهایی برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن می‌توان ارائه کرد؟

پیشینه نظری

هریک از رشته‌های اصلی علوم انسانی، همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی، تبیین‌های نظری طلاق را از منظر خود ارائه داده‌اند که می‌توان با رویکردهای مختلفی به دسته‌بندی آن‌ها اقدام کرد؛ از جمله سطوح تحلیلی خرد تا کلان که از یک سو پدیده طلاق را بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کلان می‌داند و خانواده را به منزله یکی از اجزای نظام اجتماعی با ویژگی‌های یک نهاد اجتماعی از آن‌ها متأثر می‌بیند و از سوی دیگر طلاق را معلول عوامل درونی در خانواده و کیفیت روابط و ویژگی‌های اشخاص می‌داند [۱۹]. براساس سطح تحلیل کلان، آسیب‌زایی جوامع از شرایط و تحولات تاریخی آن‌ها برمی‌خیزد که به فرد تحمیل می‌شود. درواقع، دگرگونی‌های ساختاری، زندگی و تصمیم‌های فردی را از دلایل مردم برای حمایت از احزاب سیاسی گرفته تا آهنگ رشد جمعیت، ساختار خانواده و دینداری، تغییر داده است [۱]. از مهم‌ترین نظریه‌ها در این زمینه، وجدان جمعی، نظریه آنومی، نظریه بحران ارزش‌ها و مشکلات اقتصادی است. وجدان جمعی یکی از ضمانت‌های مهم تحقق اهداف و ارزش‌های جامعه است. شخص یا اشخاص می‌توانند هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی جز اطاعت راهی ندارند. به اعتقاد دورکیم، هرچه وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل

هنجار شکنی حادث تر است. با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش می‌یابد و جامعه افراد مطلقه را به‌عنوان مطرودان اجتماعی تلقی نمی‌کند و بدین ترتیب بر میزان طلاق افزوده می‌شود [۱۳]. طبق نظریه آنومی، از هم‌پاشیدگی هنجارها و آنومی وضعیتی را ایجاد می‌کند که آرزوهای بی‌حد و حصر ایجاد می‌شود و از آنجا که طبعاً این آرزوهای بی‌حد نمی‌توانند ارضا شوند، وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و... ظاهر می‌شود که از نظر آماری قابل سنجش است [۱۰]. طبق نظریه بحران ارزش‌ها، اهمیت یافتن اشتغال زنان در بیرون از منزل، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، چشم‌وهم‌چشمی، ثروت‌اندوزی، کاهش پای‌بندی به ارزش‌های سنتی و دینی و در مقابل نادیده گرفتن قناعت، ساده‌زیستی، بردباری و گذشت، کشمکش درون خانواده و نابسامانی و طلاق را افزایش داده است [۶]. از نظر کانگر دوران‌های سخت اقتصادی نیز در جامعه نتایج زیان‌باری بر خانواده‌ها دارد، که از جمله آن‌ها احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش و آن‌ها را به سوی طلاق سوق می‌دهد [۲۴].

در سطح خرد، کنشگر متقاضی طلاق ویژگی‌های جسمانی، شخصیتی، روانی و در مجموع ماهیت فردی و انگیزه‌های او تحلیل می‌شود [۳]. از نظریات مهم خرد در رابطه با طلاق، ناهمسان‌همسری، نظریه مبادله اجتماعی و نظریه طرح‌واره‌هاست. براساس نظریه ناهمسان‌همسری، اگر یکی از دو نفر در فرایند ازدواج منشی چیره‌گر داشته باشد و دیگری منشی چیره‌پذیر، آن دو خواهند توانست با یکدیگر وصلت کنند و ازدواج می‌تواند برای آنان خرسندکننده باشد. اما اگر هر دو از منشی یگانه برخوردار باشند، گمان نمی‌رود که به همدیگر گرایش پیدا کنند و در چنین وضعیتی وصلت آنان قرین ناکامی خواهد شد [۸]. مطابق نظریه مبادله، روابط بین زن و شوهر یک نوع مبادله است که از ابتدای زندگی شروع می‌شود و اگر حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. در این شرایط، نابرابری هزینه و پاداش برای زوجین به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله منجر می‌شود و در نهایت به گسست روابط متقابل زوجین می‌انجامد [۵]. برخی از محققان در بررسی علل طلاق به نقش طرح‌واره‌ها به‌منزله عامل فردی و روان‌شناختی اشاره کرده‌اند. طرح‌واره‌ها موجب سوگیری تفسیرها از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی زوجین به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند که با تأثیر منفی بر تعاملات زوجین زمینه‌ساز طلاق می‌شوند [۱۹].

بنا بر نظریات، در مجموع می‌توان علل طلاق را در دو بخش سطح کلان و خرد دسته‌بندی کرد؛ در سطح کلان، علل طلاق به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مربوط می‌شود و

در سطح خرد، به خود زوجین و خانواده‌های آنان مربوط می‌شود. به این ترتیب، هریک از علل با مکانیسم اثر متفاوتی زمینه‌ساز طلاق‌اند که برای ارائه راهکارهای کاهش طلاق توجه به این تفاوت‌ها ضروری است.

پیشینه تجربی

پژوهش‌های فراوانی در زمینه طلاق انجام شده است و از این رو برخی محققان به جمع‌بندی و فرامطالعه نتایج پژوهش‌ها در این زمینه پرداخته‌اند. در این بخش، نتایج فرامطالعات انجام‌شده در این حوزه مرور شده است.

فیروزجائیان گلوگاه و همکاران (۱۳۹۷) در «فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه طلاق در ایران» با استفاده از مرور سیستماتیک نوزده پژوهش حوزه طلاق در بازه ۱۳۸۱-۱۳۹۵، عوامل مداخله اقوام و اطرافیان، اعتیاد، تفاوت ارزش‌ها و عدم تفاهم (بین عوامل اجتماعی) و عوامل بیکاری و مشکل امرار معاش (بین عوامل اقتصادی) را دارای بیشترین فراوانی بیان کرده‌اند [۱۸].

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) در «فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴» با فرا تحلیل کیفی چهارده اثر پژوهشی در زمینه نگرش به طلاق طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴، علاوه بر استخراج عوامل مؤثر در نگرش مثبت و منفی به طلاق، دریافتند نگرش مثبت به طلاق روندی نسبتاً فزاینده و روبه‌رشد را نشان می‌دهد [۷].

یافته‌های نیازی و همکاران (۱۳۹۶) در «فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶» که حاصل تحلیل محتوای بیست مقاله است، نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی با ضریب تأثیر ۰/۳۱ دارای تأثیر متوسط رو به بالا، در افزایش طلاق است. پس از آن، عوامل اقتصادی با ضریب تأثیر ۰/۲۳، عوامل اجتماعی با ضریب ۰/۱۹ و عوامل فردی با ضریب ۰/۱۴، دارای میزان تأثیر متوسط رو به پایین بر میزان طلاق هستند [۲۹].

زارعان (۱۳۹۶) در «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت‌شده در دهه اخیر)» با فرا تحلیل کمی چهارده مقاله در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۴، عوامل مؤثر بر طلاق را در قالب چهار گروه عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی کرده و عوامل فرهنگی و اجتماعی را در بروز طلاق مؤثرتر از عوامل اقتصادی و سیاسی دانسته است [۱۱].

یافته‌های زارعان و سدیدیپور (۱۳۹۵) در «فرا تحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی» نیز نشان می‌دهد از بین عوامل مؤثر بر طلاق میزان نابسامانی اجتماعی با اندازه اثر ۱/۳۴، نوع وسیله مورد استفاده ارتباط جمعی با اندازه اثر ۱/۲۵، سطح تحصیلات با اندازه اثر ۱/۰۰۲، شیوه همسرگزینی با اندازه اثر ۱/۵۸ و تعداد فرزندان با اندازه اثر

۱/۱۴، مؤثرترین عوامل در بروز طلاق هستند که از این میان شیوه همسرگزینی مؤثرترین عامل در بروز طلاق است [۱۲].

مشفق (۱۳۹۵) در «سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام‌شده طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۴»، با فرا تحلیل پیمایش‌های منتخب، نشان داد که شکل توزیع قدرت در خانواده با ضریب اثر ۰/۸ مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده طلاق شناخته شده و بعد از آن عواملی چون دخالت اطرافیان با ضریب اثر ۰/۷۱، رفتارهای خشونت‌آمیز با ضریب اثر ۰/۶۵ و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی با ضریب اثر ۰/۶۲ از عوامل مهم تعیین‌کننده طلاق در کشورند [۲۶].

یافته‌های یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فرا تحلیل مقالات موجود»، که حاصل فرا تحلیل بیست مقاله منتشر شده تا سال ۱۳۹۳ است، حاکی از وضعیت نامطلوب فرزندان طلاق در مقایسه با فرزندان یتیم و عادی و همچنین تأثیر مثبت برنامه‌های مداخله‌ای بر وضعیت فرزندان طلاق است [۳۰].

عرب و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین» با بررسی ۶۱ مقاله منتخب، عوامل مؤثر بر طلاق را، که در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است، شناسایی کرده‌اند که شامل عوامل جنسی، عوامل اقتصادی، عوامل شغلی، عوامل ادراکی، اختلالات رفتاری، اعتیاد، ازدواج مجدد، عوامل جمعیتی، عدم تجانس، دخالت اطرافیان، شیوه ازدواج، عوامل شخصیتی، بی‌بندوباری، تغییر ماهیت نقش زن و برآورده نشدن انتظارات زوجین بوده است [۱۷].

اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل تحقیقات انجام‌شده در زمینه طلاق در طول سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۸» با مرور سیستماتیک ۲۳ مطالعه، فقر شدید مطالعات با رویکرد بین‌رشته‌ای، ضعف در استفاده از روش‌های کیفی و ژرفانگر، استفاده کم از آزمون‌های آماری پیشرفته، ضعف شدید در استفاده از طرح‌های آزمایشی و ابزارهای استاندارد و استفاده بسیار کم از مدل‌های نظری را از ضعف‌های مطالعات در حوزه طلاق بیان کردند [۲].

ذوالفقاری (۱۳۹۲) در «فرا تحلیلی بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه علل مؤثر بر طلاق»، با بررسی ۴۵ اثر پژوهشی منتخب بین سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۲ در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق، اعتیاد، میزان درآمد، تفاوت سنی، تحصیلات، مدت زمان زندگی، آشنایی قبل از ازدواج، اختلاف فرهنگی، دخالت دیگران، اختلاف طبقاتی، خشونت، بیکاری، کارآیی (عملکرد) خانواده، برآورده نشدن انتظارات، آگاهی زن، توافق مادی، تفاهم، تفاوت تحصیلات، پایبندی دینی، توصیه بزرگ‌ترها، نحوه آشنایی، تعارض کار-خانواده، میزان همسانی، زیان از ادامه زندگی، تعارض نقش، میزان عقلانیت، تفاوت عقاید، بچه‌دار نشدن، وجود طلاق در میان بستگان، حمایت دریافت‌شده، حفظ آبرو، محل سکونت و سوء رفتار را از عوامل مؤثر بر طلاق بیان کرده است [۹].

کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) در «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، با بررسی ۲۸ پژوهش منتخب طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹ که به عوامل مؤثر بر بروز طلاق پرداخته‌اند، عوامل طلاق را در سه گروه دسته‌بندی کرده‌اند که براساس آن عوامل اجتماعی طلاق شامل سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین، سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین، عوامل و مسائل خانوادگی، سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم، برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، تعداد فرزندان، تفاوت عقاید زوجین، ازدواج اجباری، خشونت خانوادگی، تأثیر مذهب و سنت، بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر و مشکلات جنسی، عوامل اقتصادی طلاق شامل مشکلات مالی و اقتصادی، نوع فعالیت و شغل، صنعتی شدن و شهرنشینی، نفقه و مهریه و عوامل روانی نیز شامل اختلالات روانی و ضعف در مهارت‌های رفتاری و شخصیتی بوده است [۲۰].

کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «آثار و پیامدهای طلاق، مرور نظام‌مند تحقیقات انجام‌شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی» با بررسی ۲۳ پژوهش در بازه زمانی ۱۳۷۶-۱۳۹۰، بیشترین پیامدهای اشاره‌شده در پژوهش‌ها را به ترتیب اختلالات روانی و رفتاری در کودکان، کودک‌آزاری، تأثیرات روانی بر مطلقان براساس جنسیت، آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، پیامدهای اقتصادی، سوء مصرف مواد، مسائل حضانت و تربیت فرزندان، خودکشی کودکان و عدم امنیت اجتماعی زنان بیان کرده‌اند [۲۱].

نوروزهی (۱۳۹۰) با فراتحلیل پانزده پژوهش از بین مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه طلاق در تهران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷، به عوامل پیدایش و گسترش طلاق در تهران و پیامدهای ناشی از طلاق پرداخته و راهکارهایی نیز برای کاهش نرخ طلاق و جلوگیری از آثار نامناسب آن در شهر تهران استخراج کرده است [۲۸].

مرور مطالعات انجام‌شده در زمینه فراتحلیل پژوهش‌های طلاق نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌ها بر عوامل مؤثر بر طلاق متمرکز بوده است و ارائه راهکارهای کاربردی برای کاهش طلاق و کنترل پیامدهای منفی آن کمتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر تلاش کرده است با فراتحلیل کیفی پژوهش‌های دو دهه اخیر با شناسایی عوامل طلاق و پیامدهای منفی آن به ارائه راهکارهایی کاربردی برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن بپردازد. علاوه بر این، پژوهش حاضر با انتخاب ۷۰ پژوهش انجام‌شده طی بازه زمانی بیست‌ساله، سعی در شناسایی هرچه جامع‌تر عوامل متنوع طلاق داشته است تا با توجه به منشأ عوامل، راهکارهایی در جهت پیشگیری از طلاق و نیز کاهش پیامدهای منفی طلاق پیشنهاد کند تا گامی در راستای کمک به سیاست‌گذاری در جهت تحکیم و تعالی خانواده بردارد.

روش

هدف پژوهش حاضر ترکیب و انباشت نتایج و یافته‌های علمی و کاربردی مطالعات انجام‌شده درباره طلاق در ایران طی دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و در نهایت ارائه راهکارهایی مناسب برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن بوده است. برای نیل به این هدف، از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. فراتحلیل معمولاً به منزله تحلیل تحلیل‌ها تعریف می‌شود. اگرچه معمولاً فراتحلیل با متدولوژی‌های کمی گره خورده است، معادل کیفی نیز دارد. این تکنیک هم در مقوله مطالعات تفسیری و هم در مقوله مطالعات ادغامی قابل اجراست. مطالعات ادغامی از لحاظ ماهیت کمی است و روی خلاصه کردن داده‌ها متمرکز می‌شود. به بیانی دیگر، فراتحلیل کمی با مروری بر مجموعه‌ای از تحلیل‌ها، که حاصل مطالعات فردی مرتبط است، بر آن است تا خلاصه یا ادغامی از نتایج به دست دهد. فراتحلیل کیفی در مقوله مطالعات تفسیری قرار می‌گیرد. در این نوع فراتحلیل، هدف توسعه مفاهیم و دوباره تفسیر کردن است [۱۶]. فراتحلیل کیفی نه تنها نظریه‌ها، روش‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف را یکپارچه می‌کند، بلکه تفسیر ژرفی از موضوع بررسی شده ارائه می‌دهد. در فراتحلیل‌های کیفی از آمار نیز استفاده می‌شود؛ اما هدف از آن مشخص کردن فراوانی‌ها و ترسیم نمودارها برای نمایش نتایج است. تفاوت فراتحلیل کیفی با فراتحلیل کمی آن است که در فراتحلیل کیفی نقش تفسیر برجسته‌تر است و پژوهش‌گر صرفاً به توصیف آماری و کمی داده‌های پژوهش نمی‌پردازد؛ بلکه تلاش دارد پژوهش‌های انجام‌شده را تفسیر و تحلیل کند [۱۵]. بر این مبنا، در این پژوهش نیز که برای ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن به دنبال شناسایی و تحلیل عوامل طلاق و منشأ آن و نیز پیامدهای منفی طلاق براساس پژوهش‌های علمی بوده است، از فراتحلیل کیفی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر همه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه طلاق طی دو دهه اخیر (۱۳۷۷ تا ۱۳۹۷) در ایران است. ابتدا با جست‌وجو در وبسایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (irandoc)، بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid) و پرتال جامع علوم انسانی (ensani)، مقالات علمی- پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در زمینه طلاق در بازه زمانی مورد نظر استخراج شد. سپس با در نظر گرفتن ملاک‌های اعتبار علمی شامل دارا بودن بیان مسئله و پرسش‌های مناسب، تناسب روش مورد استفاده با پرسش‌های پژوهش، روش نمونه‌گیری مناسب، کفایت حجم نمونه، مدل نظری مناسب، شیوه صحیح تحلیل داده‌ها و گزارش یافته‌ها و نتایج، هفتاد اثر پژوهشی برای فراتحلیل انتخاب شد. در مرحله بعد، اطلاعات هر اثر در قالب یک جدول شامل موضوع پژوهش، اهداف، روش، میدان مطالعه، ملاحظات نظری، مراحل طلاق، نتایج، راهکارهای ارائه‌شده و پیشنهادها استخراج شد. در نهایت، با تجمیع جدول‌ها و دسته‌بندی اطلاعات، یافته‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی بیان شد.

یافته‌ها

در بخش اول یافته‌ها، ویژگی‌های پژوهش‌های بررسی‌شده در فراتحلیل توصیف شده و در بخش دوم، نتایج پژوهش‌ها بیان شده است.

بخش اول: توصیف پژوهش‌های حوزه طلاق طی دو دهه اخیر

در این بخش، ویژگی‌های پژوهش‌های بررسی‌شده در فراتحلیل از نظر موضوع، اهداف، روش، میدان مطالعه، ملاحظات نظری، مراحل طلاق، راهکارهای ارائه‌شده و پیشنهادها بیان شده است.

موضوع پژوهش‌ها

جدول ۱ نمایان‌گر توزیع فراوانی پژوهش‌های بررسی‌شده در حوزه طلاق برحسب موضوع پژوهش‌هاست؛ عباراتی که به بیان موضوع پژوهش پرداخته‌اند استخراج و در مجموع در یازده مقوله شامل طلاق عاطفی، متغیرهای روان‌شناسی و طلاق، متغیرهای اجتماعی و طلاق، مسائل حقوقی طلاق، طلاق توافقی، مقایسه وضعیت اشخاص طلاق‌گرفته و عادی، فرزندان طلاق، طلاق به‌عنوان عامل و نتیجه آسیب‌ها، نگرش به طلاق، سبک زندگی افراد طلاق‌گرفته و تجربه زیسته زنان مطلقه قرار گرفتند. بیشترین فراوانی موضوعی با ۱۸/۵ درصد متعلق به موضوع طلاق عاطفی بوده است که اولین آثار پژوهشی در این زمینه در سال ۱۳۸۹ منتشر شده و به تدریج در پژوهش‌های بیشتری مورد توجه واقع شده است. بررسی متغیرهای روان‌شناختی از قبیل سازگاری، تنظیم هیجانی، هوش هیجانی، اضطراب، افسردگی در مراحل قبل و بعد از طلاق با ۱۵/۷ درصد در رتبه دوم قرار داشته‌اند. رتبه سوم به طور مشترک متعلق به پنج موضوع متغیرهای اجتماعی و طلاق، مسائل حقوقی طلاق، طلاق توافقی، مقایسه وضعیت اشخاص طلاق‌گرفته و عادی و نیز فرزندان طلاق بوده که هر یک فراوانی ۱۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن نیز، به ترتیب موضوعات طلاق به‌عنوان عامل و نتیجه آسیب‌ها با ۵/۷۲ درصد، نگرش به طلاق با ۴/۳۰ درصد، سبک زندگی افراد طلاق‌گرفته و همچنین تجربه زیسته زنان مطلقه با ۲/۸۵ درصد قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی بر حسب موضوع پژوهش‌ها

ردیف	موضوع مورد بررسی	فراوانی	درصد
۱	طلاق عاطفی	۱۳	۱۸,۵۰
۲	متغیرهای روان‌شناسی و طلاق	۱۱	۱۵,۷۰
۳	متغیرهای اجتماعی و طلاق	۷	۱۰
۴	مسائل حقوقی طلاق	۷	۱۰
۵	طلاق توافقی	۷	۱۰
۶	مقایسه وضعیت اشخاص طلاق گرفته و عادی	۷	۱۰
۷	فرزندان طلاق	۷	۱۰
۸	طلاق به عنوان عامل و نتیجه آسیب‌ها	۴	۵,۷۲
۹	نگرش به طلاق	۳	۴,۳۰
۱۰	سبک زندگی افراد طلاق گرفته	۲	۲,۸۵
۱۱	تجربه زیسته زنان مطلقه	۲	۲,۸۵
۱۲	جمع	۷۰	۱۰۰

روش پژوهش‌ها

چنان‌که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ۷۰ درصد پژوهش‌ها با روش کمی انجام شده‌اند و استفاده از روش‌های کیفی با ۲۱/۴۳ درصد و کمی-کیفی با ۸/۵۷ درصد سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، اکثر پژوهش‌ها از داده‌های کمی و تحلیل‌های آماری استفاده کرده‌اند که کارآیی کمتری برای فهم ابعاد و پیچیدگی‌های مسئله طلاق دارند؛ و در حالی که فهم جامع و دقیق فرایند شکل‌گیری طلاق و مراحل و انواع آن توجه ویژه پژوهش‌گر به شرایط زمینه‌ای، فهم کنشگران نسبت به آن، راهبردهای مواجهه آنان و شرایط مؤثر بر آن و پیامدهای حاصل را می‌طلبد، که با بهره‌گیری از روش‌های عمیق کیفی امکان‌پذیر است، پژوهش‌های کمتری با این روش‌ها به بررسی طلاق پرداخته‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی بر حسب روش پژوهش‌ها

ردیف	روش تحقیق	فراوانی	درصد
۱	کمی	۴۹	۷۰
۲	کیفی	۱۵	۲۱,۴۳
۳	کمی-کیفی	۶	۸,۵۷
۴	جمع	۷۰	۱۰۰

میدان مطالعه پژوهش‌ها

اکثر پژوهش‌ها با ۶۲/۸۵ درصد در سطح سازمانی به مسئله طلاق پرداخته‌اند؛ به عبارتی میدان مطالعه آن‌ها سازمان، نهاد، دانشگاه، آموزش و پرورش، مراکز مشاوره، دادگاه، زندان، مجتمع قضایی، کمپ بانوان، سازمان صداوسیما و ... بوده است؛ در رتبه دوم با ۲۱/۴۴ درصد پژوهش‌هایی قرار دارند که میدان مطالعه خود را در سطح استان و شهرستان قرار داده‌اند و رتبه سوم نیز با ۱۵/۷۱ درصد متعلق به پژوهش‌های به صورت اسنادی و نظری بوده است که فراوانی هر دسته در جدول ۳ آمده است. از خلأهای پژوهشی در این حوزه مورد مطالعه قرار نگرفتن روستاها بوده است. همچنین بررسی مقایسه‌ای طلاق در مناطق مختلف کشور از جمله استان‌های پرطلاق و کم‌طلاق مورد غفلت واقع شده است.

جدول ۳. میدان مطالعه پژوهش‌ها

ردیف	میدان مطالعه	فراوانی	درصد
۱	سازمان، نهاد، دانشگاه، آموزش و پرورش، مراکز مشاوره، دادگاه، زندان، مجتمع قضایی، کمپ بانوان، سازمان صداوسیما، مهد کودک، بیمارستان	۴۴	۶۲/۸۵
۲	در سطح استان، شهرستان	۱۵	۲۱/۴۴
۳	اسناد و مدارک	۱۱	۱۵/۷۱
۴	جمع	۷۰	۱۰۰

اهداف پژوهش‌ها

در فراتحلیل حاضر، اهداف پژوهش‌های بررسی‌شده، مطابق جدول ۴، در پنج دسته قرار گرفتند. هدف ۳۲/۸۵ درصد از پژوهش‌ها بررسی تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای و متغیرهای واسطه‌ای بر طلاق بوده است. در مرتبه بعد، ۲۴/۲۸ درصد از پژوهش‌ها به دنبال یافتن علل و عوامل طلاق بوده‌اند. حدود ۱۷/۱۵ درصد از پژوهش‌ها به بررسی تأثیرات طلاق بر زن و شوهر و فرزندان پرداخته‌اند. حدود ۱۵/۷۲ درصد از پژوهش‌ها با هدف بررسی قوانین و مقررات طلاق انجام شده است. هدف ۱۰ درصد از پژوهش‌ها نیز بر مقایسه خانواده‌های طلاق و عادی متمرکز بوده است. غالب پژوهش‌ها بر علل و پیامدهای طلاق متمرکز بوده‌اند و از جمله خلأهای موجود از منظر اهداف پژوهش‌ها، نداشتن رویکردی مبتنی بر ارائه راهکارهای جامع برای سیاست‌گذاری در زمینه کاهش طلاق و مدیریت پیامدهای آن بوده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی بر حسب اهداف پژوهش‌ها

ردیف	هدف پژوهش	فراوانی	درصد
۱	بررسی اثربخشی برنامه‌های مداخله‌ای	۲۳	۳۲٫۸۵
۲	شناخت علل و عوامل طلاق	۱۷	۲۴٫۲۸
۳	شناسایی پیامدهای طلاق	۱۲	۱۷٫۱۵
۴	بررسی قوانین و مقررات طلاق	۱۱	۱۵٫۷۲
۵	مقایسه خانواده‌های طلاق و عادی	۷	۱۰
۶	جمع	۷۰	۱۰۰

ملاحظات نظری

چنان‌که در جدول ۵ آمده است، بررسی پژوهش‌ها از نظر ملاحظات نظری نشان داد ۸۷٫۷۷ درصد از پژوهش‌های بررسی‌شده فاقد نظریه بوده‌اند و ۱۷٫۵۶ درصد نیز به صورت جزئی به نظریات اشاره داشته‌اند که این دسته از پژوهش‌ها بیشتر به روش کیفی انجام شده بودند. حدود ۲۴ درصد از پژوهش‌ها که بیشتر در حوزه اجتماعی- فرهنگی بوده‌اند به طور مفصل به ادبیات نظری پرداخته و چارچوب نظری پژوهش را از نظریات استخراج کرده‌اند. اما ۴۹٫۶۷ درصد از پژوهش‌ها با وجود بیان نظریه‌های موجود در طراحی پژوهش استفاده‌ای از این نظریات نکرده و از پرسش‌نامه استاندارد استفاده کرده‌اند که موضوع این دسته از پژوهش‌ها بیشتر روان‌شناسی بوده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی بر حسب ملاحظات نظری

ردیف	ملاحظات نظری	فراوانی	درصد
۱	فاقد مرور ادبیات نظری	۶	۸٫۷۷
۲	مروری جزئی بر ادبیات نظری	۱۲	۱۷٫۵۶
۳	دارای چارچوب نظری	۱۶	۲۴
۴	بحث مفصل از ادبیات نظری	۳۴	۴۹٫۶۷
۵	بدون چارچوب نظری	۷۰	۱۰۰

مراحل طلاق

پژوهش‌ها را براساس مرحله بررسی‌شده می‌توان به سه دسته کلی قبل از طلاق، حین طلاق و بعد از طلاق تقسیم کرد. مطابق جدول ۶، پژوهش‌های متمرکز بر مرحله قبل از طلاق با فراوانی ۳۴٫۲۹ درصد، بیشتر در صدد توضیح عوامل مؤثر بر پیدایش طلاق بوده‌اند. حدود ۲۲٫۸۵ درصد از پژوهش‌ها نیز به مرحله حین طلاق پرداخته‌اند که بیشتر به دنبال بررسی مسائل حقوقی طلاق بوده‌اند. پژوهش‌های متمرکز بر مرحله بعد از طلاق نیز که شامل

۴۲/۸۶ درصد از پژوهش‌های بررسی شده بوده‌اند به مسائل و مشکلات پس از طلاق در مورد زنان مطلقه و کودکان طلاق پرداخته‌اند و مردان را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند.

جدول ۶. توزیع فراوانی بر حسب مراحل طلاق

ردیف	مرحله طلاق	فراوانی	درصد
۱	قبل از طلاق	۲۴	۳۴/۲۹
۲	حین طلاق	۱۶	۲۲/۸۵
۳	بعد از طلاق	۳۰	۴۲/۸۶
۴	جمع	۷۰	۱۰۰

پیشنهادها

پیشنهادهای بیان شده در آثار بررسی شده حاوی ایده‌های اجرایی و پژوهشی بوده است. چنان‌که در جدول ۷ آمده است، ۵۰ درصد پژوهش‌ها به ارائه پیشنهادها برای پرداخته‌اند که اکثر این پیشنهادها اجرایی برآمده از نتایج پژوهش نبوده است. همچنین ۲۱/۴۳ درصد از پیشنهادها پژوهشی بوده و ۲۸/۵۷ درصد از پژوهش‌ها نیز پیشنهادی ارائه نداده‌اند.

جدول ۷. توزیع فراوانی بر حسب وضعیت پیشنهادها پژوهش‌ها

ردیف	وضعیت پیشنهادها	فراوانی	درصد
۱	اجرایی	۳۵	۵۰
۲	پژوهشی	۱۵	۲۱/۴۳
۳	فاقد پیشنهاد	۲۰	۲۸/۵۷
۴	جمع	۷۰	۱۰۰

راهکارها

مطابق جدول ۸، نتایج این فراتحلیل نشان داد اکثر پژوهش‌ها، شامل ۷۸/۵۷ درصد، فاقد ارائه راهکار بوده‌اند و فقط ۲۱/۴۳ درصد راهکار ارائه داده‌اند. همچنین رتبه‌بندی راهکارها از نظر سطح اجرایی به ترتیب عبارت از سطح خرد با ۱۱/۴۳ درصد، سطح میانه با ۵/۷۱ درصد و سطح کلان با ۴/۲۹ درصد بوده است و پژوهش‌های بررسی شده برنامه‌ای عملیاتی برای پیاده‌سازی راهکارها ارائه ننموده‌اند.

جدول ۸. توزیع فراوانی بر حسب وضعیت راهکارهای ارائه شده در پژوهش‌ها

ردیف	وضعیت راهکارها	فراوانی	درصد
۱	عدم ارائه راهکار	۵۵	۷۸/۵۷
۲	ارائه راهکار	۸	۱۱/۴۳
۳	سطح کلان	۳	۴/۲۹
۴	جمع	۷۰	۱۰۰

بخش دوم: نتایج پژوهش‌های دو دهه اخیر

در این بخش، نتایج پژوهش‌ها در دو مبحث عوامل طلاق و پیامدهای منفی طلاق بیان شده است.

عوامل طلاق

در جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های بررسی شده می‌توان عوامل مؤثر بر طلاق را براساس منشأ عوامل در چهار دسته کلی قرار داد که در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. دسته‌بندی عوامل طلاق براساس منشأ عامل

منشأ عامل	عامل طلاق
همسرگزینی نادرست	ازدواج ناآگاهانه نداشتن بلوغ لازم برای ازدواج عدم برخورداری از سلامت روانی، شخصیتی و اخلاقی تزلزل پایه‌های ایمان عدم واقع‌گرایی در معرفی خود و شناخت همسر عدم تناسب فردی و خانوادگی همسران در زمینه‌های مختلف
نقص دانش و مهارت همسران	انتظارات و توقعات غیرمنطقی همسران از هم ضعف همسران در مهارت‌های رفتاری و شخصیتی نداشتن شناخت کافی از یکدیگر عدم تفاهم و درک متقابل ناتوانی در حل اختلافات نارضایتی جنسی و عاطفی همسران برآورده نشدن نیازها و انتظارات
عملکرد نامطلوب همسران	عدم مسئولیت‌پذیری و انجام ندادن وظایف نقش همسری تعارض نقش و تقسیم کار نامناسب برآورده نشدن نیازها و انتظارات چشم‌وهم‌چشمی و مصرف‌گرایی استفاده نادرست از فضای مجازی خشونت و سوءرفتار معاشرت‌های غیراخلاقی و ناپسند اعتیاد به مواد مخدر مصرف مشروبات الکلی خیانت زن و مرد
شرایط نامطلوب اقتصادی	چالش تأمین هزینه‌های خانواده به دلیل تورم عدم امنیت شغلی بیکار شدن مرد عدم توانایی تأمین مسکن مناسب

پیامدهای منفی طلاق

پژوهش‌های بررسی‌شده به پیامدهای منفی طلاق که زنان و کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد پرداخته‌اند. در جدول ۱۰، پیامدهای منفی مستخرج از پژوهش‌ها براساس مخاطب پیامدها دسته‌بندی شده است.

جدول ۱۰. پیامدهای منفی طلاق براساس مخاطب پیامد

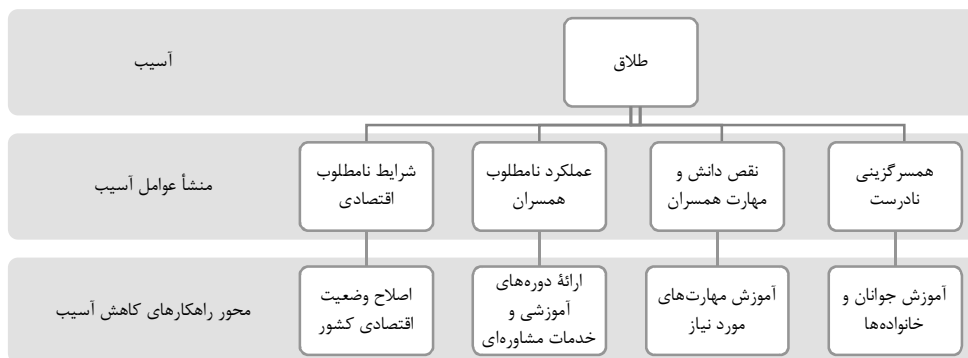
مخاطب پیامد	پیامدهای منفی طلاق
زنان	<p>اندوه و فشارهای روانی پس از طلاق</p> <p>مشکلات برگشت به خانه پدری</p> <p>آزار و اذیت همسر سابق</p> <p>مشکلات اقتصادی تأمین هزینه‌های زندگی</p> <p>احساس عدم امنیت اجتماعی</p> <p>از دست دادن ارتباطات خانوادگی و دوستانه گذشته</p> <p>مشکلات اجاره مسکن به دلیل نگرش منفی</p> <p>مشکلات حضانت و دیدار فرزند</p>
فرزندان	<p>تأثیر مخرب طلاق بر سلامت روان</p> <p>ناسازگاری در مدرسه، اجتماع، خانواده</p> <p>افزایش پرخاشگری و عدم تاب‌آوری</p> <p>بزهکاری، فرار از خانه، کار خیابانی، مصرف مواد و الکل، کودک‌آزاری</p> <p>به‌کارگیری شیوه‌های آسیب‌زای مقابله با استرس</p> <p>تأثیر نامطلوب طلاق بر وضعیت تحصیلی</p> <p>تأثیر منفی حضانت توسط یک والد بر سلامت روانی و اجتماعی</p> <p>آسیب‌های ناشی از سوء رفتار همسر دوم با فرزندان ناتنی</p>

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش کرده با استفاده از فراتحلیل کیفی هفتاد پژوهش منتخب حوزه طلاق در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷)، علاوه بر توصیف ویژگی‌های مختلف این پژوهش‌ها، با جمع‌بندی یافته‌ها به دسته‌بندی عوامل طلاق و پیامدهای منفی طلاق بپردازد تا براساس آن راهکارهایی مناسب برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن ارائه کند و به این ترتیب بتواند با پیشنهاد راهکارهای متناسب، گامی در راستای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن بردارد.

چنان‌که بیان شد، براساس نتایج پژوهش‌های بررسی‌شده عوامل مؤثر بر طلاق را براساس منشأ عوامل می‌توان در چهار دسته کلی قرار داد. اولین دسته، که شامل بخش

درخور توجهی از عوامل طلاق است، عواملی را دربرمی‌گیرد که در همسرگزینی نادرست ریشه دارند؛ بنابراین از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش طلاق، پیشگیری از ازدواج‌های نامناسب و نامتناسب است که لازمه آن آموزش جوانان و خانواده‌ها در زمینه نحوه صحیح انتخاب همسر است. دسته دوم شامل آن دسته از عوامل طلاق است که از نقص دانش و مهارت همسران ریشه می‌گیرند. در این موارد، اگرچه همسرگزینی به نحو صحیح صورت گرفته است، به دلیل نداشتن آگاهی و مهارت‌های لازم برای ایفای نقش‌های همسری، مشکلات جدی در تعاملات زناشویی به وجود آمده و درنهایت به طلاق منجر خواهد شد؛ بنابراین برای کاهش طلاق‌هایی که ناشی از این عوامل هستند، باید برای آموزش مهارت‌های مورد نیاز همسران در زندگی زناشویی برنامه‌ریزی کرد. دسته سوم عوامل طلاق در عملکرد نامطلوب همسران در زندگی زناشویی ریشه دارد که برای کاهش طلاق‌های ناشی از آن لازم است با اتخاذ تدابیری به شناسایی این همسران و ارائه دوره‌های آموزشی و خدمات مشاوره‌ای برای اصلاح عملکرد آنان اقدام کرد. چهارمین دسته از عوامل طلاق نیز از شرایط نامطلوب اقتصادی ریشه می‌گیرد که کاهش طلاق‌های ناشی از آن تلاش متولیان اقتصاد کشور را برای تدوین سیاست‌های اقتصادی مناسب و اجرای برنامه‌های عملیاتی در راستای ایجاد امنیت شغلی و اقتصادی و رفاه خانواده‌ها می‌طلبد. نمودار ۱ محور راهکارهای کاهش طلاق براساس منشأ عوامل طلاق را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. محور راهکارهای کاهش طلاق براساس منشأ عوامل طلاق

برای کاهش طلاق‌های ناشی از عوامل سه دسته اول، آموزش‌های خانواده به جوانان نقش بسیار مهم و مؤثری دارد؛ اما با توجه به اینکه بسیاری از خانواده‌ها خود نیز دانش و مهارت لازم در این زمینه یا دغدغه‌مندی کافی به انتقال آن به فرزندان را ندارند، ضروری است که نهادهای ذیربط نسبت به اجرای این راهکارها اهتمام ورزند و برای اطمینان از بهره‌مندی همه گروه‌های هدف از این برنامه‌ها، ضمانت اجرای قانونی لازم نیز در نظر گرفته شود. برای اجرای بهتر این راهکارها پیشنهاد می‌شود در گام اول محتوای مناسب برای تدریس در دوره‌های آموزشی مهارت‌های همسرمداری براساس نظر متخصصان، متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی استان‌های مختلف تنظیم شود. در گام دوم، افراد متخصص و شایسته برای تدریس در هر استان شناسایی شوند و در دوره‌های تربیت مربی شرکت کنند و صلاحیت آنان برای تدریس تأیید شود. در سومین گام مشاوران متخصص و متعهد برای اجرای مشاوره‌های هنگام ازدواج شناسایی شده و پس از طی دوره آموزشی لازم صلاحیت آنان برای همکاری در اجرای طرح تأیید شود. در گام چهارم، برای کاهش هزینه اجرای برنامه ارزیابی و پایش منظم میزان موفقیت در زندگی زناشویی می‌توان از فارغ‌التحصیلان توانمند جویای کار در رشته‌های مرتبط از قبیل روان‌شناسی و مشاوره کمک گرفت. در پنجمین گام سامانه جامع خانواده موفق با هدف اجرای بهینه راهکارها از طرق مختلف از جمله تسهیل دسترسی به افراد پس از ازدواج برای ارزیابی‌های دوره‌ای، شناسایی افراد نیازمند خدمات مشاوره‌ای، پیگیری نتایج خدمات و ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای متناسب با نیازهای خانواده‌ها در هر مرحله از زندگی، طراحی و راه‌اندازی شود. این سامانه همچنین می‌تواند با فراخوان ثبت‌نام برای بهره‌مندی از خدمات آموزشی و مشاوره‌ای، نقشی مهم در تسهیل اجرای طرح برای همسرانی داشته باشد که قبلاً ازدواج کرده‌اند و شناسایی و دسترسی به آنان برای ارزیابی میزان موفقیت ازدواج و ارائه خدمات لازم دشوار است.

پژوهش‌های بررسی‌شده علاوه بر عوامل مؤثر بر طلاق، به پیامدهای منفی طلاق برای زنان و فرزندان نیز پرداخته‌اند که برای کاهش این پیامدها راهکارهایی بر محور رفع چالش‌های حقوقی و خلأهای قانونی، آموزش والدین برای به حداقل رساندن آسیب‌های طلاق برای فرزندان، ارائه خدمات مشاوره‌ای برای زنان و فرزندان، فرهنگ‌سازی برای حمایت خانواده از زنان مطلقه و نیز اصلاح نگرش جامعه به زنان مطلقه و فرزندان طلاق پیشنهاد می‌شود. در جدول ۱۱ راهکارهایی برای کاهش هر دسته از پیامدهای منفی طلاق پیشنهاد شده است.

جدول ۱۱. پیامدهای منفی طلاق و راهکارهای کاهش آن		
مخاطب پیامد	پیامدهای منفی طلاق	راهکار کاهش پیامدهای منفی
زن	اندوه و فشارهای روانی پس از طلاق	ارائه خدمات مشاوره‌ای پس از طلاق و تسهیل دسترسی زنان مطلقه به آن
	مشکلات برگشت به خانه پدری آزار و اذیت همسر سابق	فرهنگ‌سازی برای حمایت خانواده از زن مطلقه
	مشکلات اقتصادی تأمین هزینه‌های زندگی	حمایت از اشتغال زنان مطلقه، رفع چالش‌های حقوقی دریافت مهریه، نفقه و هزینه‌های نگهداری فرزندان
	احساس عدم امنیت اجتماعی از دست دادن ارتباطات خانوادگی و دوستانه گذشته مشکلات اجاره مسکن به دلیل نگرش منفی	فرهنگ‌سازی برای اصلاح نگرش به زنان مطلقه
	مشکلات حضانت و دیدار فرزند	رفع چالش‌های حقوقی و خلأهای قانونی حضانت و دیدار فرزند
فرزندان	تأثیر مخرب طلاق بر سلامت روان	آموزش والدین جهت آماده‌سازی فرزندان برای طلاق، آموزش والدین جهت مهارت‌یابی برای کاستن پیامدهای روانی طلاق برای فرزندان و نحوه رفع آسیب‌های احتمالی، آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان در جلسات مشاوره حضوری، فراهم کردن خدمات و تسهیلات مشاوره‌ای ویژه فرزندان طلاق
	ناسازگاری (در مدرسه، اجتماع، خانواده) افزایش پرخاشگری و عدم تاب‌آوری	آموزش راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و کارآمد در جلسات مشاوره حضوری
	بزهکاری، فرار از خانه، کار خیابانی، مصرف مواد و الکل، کودک‌آزاری	توجه بیشتر والدین به وضعیت تحصیلی فرزندان پس از طلاق، اطلاع به اولیای مدرسه برای حمایت از فرزندان طلاق، ارائه خدمات مشاوره‌ای به فرزندان طلاق از سوی مشاوران مدرسه
	به‌کارگیری شیوه‌های آسیب‌زای مقابله با استرس	آموزش والدین جهت مدیریت تعامل با فرزندان در ملاقات‌های پس از طلاق، تشویق والدین به همکاری جهت فرصت‌دادن به فرزندان برای تعامل و ارتباط مؤثر با هر دو والد، آموزش نحوه به حداقل رساندن کشمکش‌های والدین در زمینه ملاقات با فرزندان
	تأثیر منفی حضانت توسط یک والد بر سلامت روانی و اجتماعی	کسب اطمینان از پذیرش کامل و متعهدانه فرزند ناتنی پیش از ازدواج مجدد
	تأثیر نامطلوب طلاق بر وضعیت تحصیلی	
	آسیب‌های ناشی از سوء رفتار همسر دوم با فرزندان ناتنی	

در مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های فراتحلیل‌های پیشین در زمینه عوامل طلاق، پژوهش‌های فیروزجائیان گلوگاه و همکاران (۱۳۹۷)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، زارعان (۱۳۹۶)، زارعان و سدیدیپور (۱۳۹۵)، مشفق (۱۳۹۵)، عرب و همکاران (۱۳۹۳)، ذوالفقاری (۱۳۹۲)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) و نوروززهی (۱۳۹۰) نیز عوامل مؤثر بر طلاق را بیان کرده‌اند که برخی از آن‌ها با استفاده از روش فراتحلیل کمی به سنجش میزان تأثیر عوامل مختلف طلاق پرداخته‌اند و برخی دیگر به بیان توصیفی عوامل طلاق بسنده کرده‌اند. پژوهش حاضر علاوه بر بیان توصیفی عوامل طلاق، که همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین است، به دسته‌بندی عوامل براساس منشأ آن‌ها پرداخته و آن را مبنایی برای ارائه راهکارهای عملیاتی کاهش طلاق قرار داده است. در زمینه پیامدهای طلاق نیز پژوهش حاضر به بیان پیامدهای منفی طلاق برای زنان و فرزندان پرداخته که با یافته‌های فراتحلیل‌های یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰) و نوروززهی (۱۳۹۰) همسو بوده است و علاوه بر این راهکارهایی را برای کاهش پیامدهای منفی طلاق ارائه کرده است. همچنین، در خصوص ارائه راهکار، درحالی‌که فیروزجائیان گلوگاه و همکاران (۱۳۹۷) و نوروززهی (۱۳۹۰)، راهکارهای ارائه‌شده در پژوهش‌های بررسی‌شده را بیان کرده‌اند، در پژوهش حاضر ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن از سوی محققان صورت گرفته است.

منابع

- [۱] آزاد ارمکی، تقی؛ غیاثوند، احمد (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، تهران: آن.
- [۲] اسماعیل‌زاده، علی‌اصغر؛ سلطانی، مهدی؛ فیضی، ایرج و همکاران (۱۳۹۲). «فراتحلیل تحقیقات انجام‌شده در زمینه طلاق در طول سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۸»، طرح پژوهشی.
- [۳] آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج و طلاق*، تهران: علم.
- [۴] پیران، پرویز (۱۳۶۹). «در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق»، *رونق*، س اول، ش اول، ص ۳۴-۴۱.
- [۵] جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). «عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۶] حبیب‌پورگتابی، کرم؛ نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۰). «عوامل طلاق در استان مازندران»، *مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۴، ش ۵۳، ص ۸۷-۱۲۷.
- [۷] حسنی، محمدرضا؛ هدایتی، منصوره؛ محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۶). «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴». *مطالعات اجتماعی ایران*، س ۱۱، ش ۳، ص ۱۲۶-۱۵۱.
- [۸] حسینی، حسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق*، تهران: سلمان.
- [۹] ذوالفقاری، شادی (۱۳۹۲). «فراتحلیلی بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه علل مؤثر بر طلاق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- [۱۰] رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: سروش.
- [۱۱] زارعان، منصوره (۱۳۹۶). «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق (مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه اخیر)»، *پژوهش‌های مشاوره*، س ۱۶، ش ۶۱، ص ۱۳۵-۱۴۹.
- [۱۲] زارعان، منصوره؛ سدیدپور، سمانه‌سادات (۱۳۹۵). «فرا تحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س ۷، ش ۲، ص ۱۹۱-۲۱۸.
- [۱۳] ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۴] سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۸۷ و ۱۳۹۶. سایت سازمان ثبت احوال.
- [۱۵] شیرکوه‌محمدی، سیدعلی‌نقی؛ خرازی، کمال؛ کاظمی‌فرد، محمد؛ پورکریمی، جواد (۱۳۹۵). «مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فراتحلیلی کیفی»، *مدیریت مدرسه*، س ۴، ش ۲، ص ۸۷-۱۰۷.
- [۱۶] صادقی فسائی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). «فرا تحلیل چهار دهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، س ۱۴، ش ۲، ص ۳۵-۶۲.
- [۱۷] عرب، سیدمحمد؛ ابراهیم‌زاده پزشکی، رضا؛ مروتی شریف‌آبادی، علی (۱۳۹۳). «طراحی مدل فراترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین»، *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰-۲۲.
- [۱۸] فیروزجائیان گلوگاه، علی‌اصغر؛ صادقی، سهیل و همکاران (۱۳۹۷). «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران»، *مطالعات زن و خانواده*، س ۶، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۴۳.
- [۱۹] کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۳). *طلاق در ایران*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۲۰] کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۶۲.
- [۲۱] کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). «مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷۶-۱۳۹۰)». *زن در توسعه و سیاست*، س ۹، ش ۳، ص ۱۱۱-۱۳۱.
- [۲۲] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*، تهران: نی.
- [۲۳] محبی، سیده فاطمه (۱۳۹۱). «تبیین جامعه‌شناختی طلاق»، *کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده*، ص ۹۶۱-۹۸۴، تهران: پیام عدالت.
- [۲۴] محبی، فاطمه (۱۳۸۰). «آسیب‌شناسی اجتماعی مسائل زنان - طلاق». *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۲، ص ۸-۲۳.
- [۲۵] محمدی، زهرا (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- [۲۶] مشفق، محمود (۱۳۹۵). «سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام شده طی دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۴»، *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، س ۲، ش ۹، ص ۱-۴۱.
- [۲۷] منادی، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: دانژه.

- [۲۸] نوروززهی، هاشم (۱۳۹۰). *آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهر تهران (فراتحلیل پژوهش‌های طلاق و حاشیه‌نشینی)*، تهران: جامعه و فرهنگ.
- [۲۹] نیازی، محسن؛ عسگری کویری، اسما و همکاران (۱۳۹۶). «فراتحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶». *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، س ۱۵، ش ۴، ص ۲۰۲-۱۷۷.
- [۳۰] یحیی‌زاده، حسین؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۴). «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود»، *مطالعات زن و خانواده*، س ۳، ش ۲، ص ۹۱-۱۲۰.